

تأثیر گفتمان سیاسی بر تعاملات بازرگانی خارجی ج.آ.ایران و اتحادیه اروپا در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی

وحید خاشعی و رنامخواستی*

سید محمد منصور پورمولا^۲

چکیده

پیشینه سیاست خارجی ج.آ.ایران مبین این موضوع است که در دوران حیات ۴۰ ساله ج.آ.ایران شکل خاصی از قالبها و الگوهای گفتمانی ظهور کرده است که این نوشتار بر آن است تا به تبیین الگوی تأثیر گفتمان سیاسی بر تعاملات بازرگانی خارجی ج.آ.ایران و اتحادیه اروپا بپردازد. روش تحقیق از نوع آمیخته بوده و در مرحله نخست، از روش کیفی (نظریه پردازی داده بنیاد) برای ارائه مدل استفاده و با روش نمونه گیری هدفمند با ۱۰ نفر از خبرگان حوزه گفتمان سیاسی و روابط بین الملل و سیاست خارجی ج.آ.ایران مصاحبه های عمیقی انجام شده است. نتایج با استفاده از سه مرحله کدگذاری تحلیل و تفسیر شده اند. در مرحله دوم پژوهش، مدل ارائه شده به صورت کمی آزمون گردیده است. در بخش کمی جامعه آماری شامل ۱۵۰ نفر کارشناسان وزارت امور خارجه است که ۱۰۸ نفر آنها با نمونه گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شده اند. برای آزمون مدل از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است. این نتایج نشان می دهند تأثیر مقوله های «تنش زدایی» و «رویکرد تعاملی» بر بعد تنش زدایی در سیاست خارجی و نیز تأثیر مقوله های «توسعه اقتصادی»، «اقتدار و امنیت ملی» و «مصلحت گرایی» بر بعد سازندگی اقتصادی و منافع ملی در دولت هاشمی رفسنجانی تأیید شده اند.

واژگان کلیدی: گفتمان سیاسی، تعاملات بازرگانی، تنش زدایی، سازندگی اقتصادی و منافع ملی

۱. دانشیار مدیریت بازرگانی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی تهران (نویسنده

* khashei@atu.ac.ir

مسئول)

۲. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره هشتم، شماره بیای بیست و نهم، صص ۲۴۹-۲۲۳

مقدمه

سیاست خارجی همواره پیوندی ناگسستنی با سطح و کیفیت مبادلات تجاری و بازرگانی میان کشورها دارد. در جهان امروز تعریف قدرت ملی یک کشور از جنبه‌های صرفاً سیاسی و نظامی به سوی ترکیبی از میزان اثرگذاری و قدرت سیاسی، حقوقی، اقتصادی و نظامی تغییر جهت داده است. شیوه اداره کشورها، موقعیت دیپلماتیک آن‌ها و همچنین میزان اثرگذاری آن‌ها در ساحت روابط دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی به صورتی مستقیم بر وضعیت اقتصادی، مبادلات تجاری و تراز بازرگانی آن‌ها اثر می‌گذارد. دیپلماسی تجاری و بازرگانی پس از پایان جنگ ایران و عراق و نیاز کشور به بازسازی از سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ خورشیدی از اهمیت زیادی برخوردار گردید و دولت‌های پس از جنگ در این حوزه عملکردهای مختلفی داشتند. در این میان ارتباط و تراز مالی و بازرگانی بین ایران و اتحادیه اروپا به دلیل سابقه تاریخی روابط اقتصادی و بازرگانی و همچنین تأمین نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد و بررسی رابطه سیاست خارجی و روابط اقتصادی و بازرگانی دو طرف بخش مهمی از دلایل و فراز و نشیب‌های روابط دو طرف را مشخص می‌کند.

با توجه به گفتمان سیاسی ج.آ.ایران در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ (دولت هاشمی رفسنجانی) و وجود خرابی‌های حاصل از جنگ، دولت هاشمی رفسنجانی با تخاصم گفتمان سیاسی خاص دنبال توسعه اقتصادی در آن دولت بوده است. مسئله اصلی که پژوهش حاضر به دنبال آن می‌باشد گزاره‌ها، مقوله‌ها و شاخص‌های محوری گفتمان سیاست خارجی دولت هاشمی رفسنجانی کدام است. مطالعات فرعی

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

جامعه سیاست‌زده و متلاطم ایرانی که می‌توان گفت تمام شئون آن تحت تأثیر سیاست‌های کلان و جهت‌گیری‌های سیاسی بوده است و از راه شناخت تأثیرات حوزه سیاست بر اقتصاد و فرهنگ می‌توان تغییر و تحولات جامعه ایران و حکومت ایران را رصد نمود. یکی از مشکلاتی که اکنون حوزه تجارت خارجی ج.آ.ایران با آن روبرو است، کاهش سطح مبادلات تجاری ج.آ.ایران با جهان و به‌ویژه «اتحادیه اروپا» در حال

حاضر است. باید دانست اهمیت این روابط زمانی برای ج.آ.ایران مهم می‌گردد که پیشینه روابط تجاری و اقتصادی ایران و «اتحادیه اروپایی» به قبل از انقلاب اسلامی بر می‌گردد. اما روابط ج.آ.ایران و اتحادیه اروپا در طول ۴۰ سال گذشته از انقلاب و تشکیل نظام ج.آ.ایران با موانع و چالش‌های مهمی روبرو بوده است. تحلیل چگونگی و کیفیت و علل صعود و نزول این آمارهای حوزه تجارت خارجی، نیازمند بررسی زمینه‌های سیاسی و تأثیرگذاری آن بر حوزه اقتصاد و تجارت خارجی است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۴).

۲۲۵

برای درک و شناخت گفتمان منتج به تصمیم‌گیری و عمل در سیاست خارجی ج.آ.ایران، ابتدا می‌بایست از ساختارها و مولفه‌های نظام انگیزشی و درک فضای ذهنی تصمیم‌گیران سیاست خارجی ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی شناخت کافی و لازم را پیدا کنیم. فراتر از این فهم رفتاری، اینکه یک کشور در صحنه بین‌الملل چگونه باید رفتار کند ریشه در داخل و مبانی نظام فکری و گفتمانی آن دارد (شیخ‌عطار، ۱۳۸۵: ۲۵). برای درک و شناخت این فرایند نیاز است تا سه مفهوم بسیار مهم (فرهنگ سیاسی-اجتماعی، خواستگاه اجتماعی، فکری و طبقاتی نخبگان فکری و اداری، و اهداف و راهبردهای کلان نظام سیاسی) در زمینه تأثیرگذاری رویه‌های داخلی بر پارادایم گفتمانی و عملی سیاست خارجی مورد بررسی قرار گیرد (خالوزاده، ۱۳۸۴: ۱۹). در کنار این عوامل هر حکومت با خواستگاه و پشتوانه‌ای تئوریک که در نهایت تبدیل به مانیفست آن حکومت می‌گردد در عرصه داخلی و بین‌المللی عمل می‌کند و در مورد انقلاب ایران نیز چهار مؤلفه توسعه اقتصادی، حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش و مسلمانان جهان و تعارض با رژیم صهیونیستی و غرب (به‌ویژه آمریکا)، برپایی یک جامعه اسلامی بر اساس مبانی شیعی به‌عنوان اجزای اصلی گفتمان نظام جدید مطرح گردید (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۱: ۴۲). نکته حائز اهمیت در این تقسیم‌بندی این است که چهار مؤلفه ذکر شده از یک سنخ نبوده، و برای پیاده‌سازی هر یک از این مولفه‌ها در ساختار تصمیم‌گیری و عمل نظام سیاسی، لوازم و شرایط جداگانه و گاه متضادی مورد نیاز می‌باشد و این موضوع یکی از خصیصه‌های مشترک نظام‌های ایدئولوژیک می‌باشد (دهشیری، ۱۳۹۱: ۲۸).



با نگاهی دقیق‌تر می‌توان دریافت که همواره این دغدغه برای محققان و پژوهشگران حوزه اقتصاد و سیاست در ایران مطرح بوده است که تأثیرات «گفتمان» و «سیاست‌گذاری» بر حوزه اقتصاد در جامعه چه بوده است (ببلاوی و لوسیانی، ۱۹۸۷؛ مهدوی، ۱۹۷۰، بیل و لیدن، ۱۹۸۴ و سینانی و زمانی، ۱۳۹۱).

«ارنستو لاکلائو» و «شان‌تال موف» در کتاب «هژمونی و راهبرد سوسیالیستی»^۳ (۱۹۸۵)، گفتمان را مجموعه‌ای معنی‌دار از علائم و نشانه‌های زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی تعریف می‌کنند. در نزد آنان گفتمان صرفاً ترکیبی از گفتار و نوشتار نبوده بلکه این دو خود اجزای درونی کلیت گفتمان فرض می‌شوند و گفتمان هم دربرگیرنده بعد مادی و هم مزین به بعد نظری است. (تاجیک، ۱۳۸۳)

لاکلا و موف مفهوم گفتمان خود را از فوکو وام گرفته‌اند. گفتمان در این‌جا نظام معنایی بزرگ‌تر از زبان است و هر گفتمان بخش‌هایی از حوزه اجتماع را در سیطره خود گرفته و به واسطه در اختیار گرفتن ذهن سوژه‌ها، به گفتارها و رفتارهای فردی و اجتماعی آن‌ها شکل می‌دهد. لاکلا و موف همچنین مفهوم قدرت فوکو را نیز وارد نظریه گفتمان خود کردند و به این ترتیب به گفتمان نیرویی پیش‌راننده بخشیدند. اما به نظر می‌رسد آن‌ها به جای «حکم» فوکو از «نشانه» سوسور برای توضیح ساختار گفتمان استفاده کردند. بنا بر این گفتمان از نظر لاکلا و موف نه مجموعه‌ای از احکام بلکه مجموعه‌ای از نشانه‌هاست. مفهوم صورت‌بندی گفتمانی فوکو نیز قابل قیاس با مفهوم «مفصل‌بندی» در نظریه گفتمان لاکلا و موف است، چرا که مفصل‌بندی فرآیندی است که به واسطه آن، نشانه‌ها با هم جوش می‌خورند و یک نظام معنایی را شکل می‌دهند. همین جابه‌جایی به ظاهر کوچک و استفاده از «نشانه» به جای «حکم»، همان‌طور که خواهیم دید، به این نظریه انعطاف‌پذیری فوق‌العاده‌ای بخشیده است (سلطانی، ۱۳۸۳).

در حقیقت، عرصه دیپلماسی تجاری و اقتصادی تبلور تأثیرات جهت‌گیری‌های سیاسی و سیاست‌های عمومی در اقتصاد است. به عبارت دقیق‌تر، دیپلماسی اقتصادی

1. Ernesto Laclau
2. Chantal Mouffe
3. Hegemony and Socialist Strategy

تحقق اهداف و راهبردهای اقتصاد سیاسی یک نظام سیاسی در عرصه بین‌الملل، برای کسب منافع و تعاملات نه تنها اقتصادی بلکه در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی است و در این میان «دیپلماسی بازرگانی» مربوط به کار هیأت‌های دیپلماتیک برای حمایت از بخش‌های تجاری و مالی کشور در تعقیب موقعیت‌های اقتصادی و اهداف کلی کشور در توسعه ملی است (موسوی شفقانی، ۱۳۸۶).

رفتارهای اقتصادی دولت‌ها بر توسعه ملی کشورها نقشی تعیین‌کننده داشته که متقابلاً بر ثبات و امنیت اجتماعی - سیاسی اثر می‌گذارد. رفتارهای اقتصادی دولت، بسته به نوع گفتمان دولت‌ها متغییر می‌باشد (شیرخانی و خوش‌گفتار، ۱۳۹۱).

۲۲۷

مطالعات داخلی

وزیربان و طلوعی (۱۳۹۶) تغییرات مهمی که در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی پس از پایان جنگ و درگذشت امام رخ داد از جمله تغییر در ساختار قدرت به تبع بازننگری در قانون اساسی، الزامات پسا جنگی اقتصادی، شرایط جدید ایران در نظام بین‌الملل و تغییرات اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و بیان می‌کنند که هاشمی رفسنجانی در منصب ریاست جمهوری سعی کرد در عرصه اقتصادی و سیاسی تغییرات گسترده‌ای ایجاد کند و کشور را که به خاطر جنگ با عراق و الزامات ناگزیر آن در تنگنا قرار گرفته بود، جانی تازه بخشد. به دلیل تغییر جایگاه سیاسی ریاست جمهوری پس از بازننگری، او به عنوان نخستین رئیس جمهور قدرتمند ایران با اختیارات بالاتر نسبت به هم‌تایان پیشین خود توانست گفتمان سازندگی را سرلوحه کار قرار دهد و نوعی از مدل توسعه را در ایران به اجرا گذارد.

باقری و ابراهیمی (۱۳۹۵) به بررسی الزامات سیاست خارجی برای تحقق سیاست توسعه‌محوری در دوران سازندگی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تعدیل مواضع دولت در برخی حوزه‌های سیاست خارجی اگرچه توانست به سیاست توسعه‌محوری کمک نماید اما ناکافی بود و وضع تحریم‌های جدید علیه ایران عملاً سیاست تنش‌زدایی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را با مشکل مواجه ساخت.



پروانه (۱۳۹۴) ضمن نقد گفتمان دولت سازندگی مبتنی بر گفتمان سیاسی امام خمینی (ره)، بیان کرده خرده گفتمان دولت سازندگی همچون دیگر دولت‌ها ناشی از تحول گفتمان کلان جمهوری اسلامی است، اما به نظر می‌رسد در مواردی نیز دارای تفاوت‌های قابل تأملی با گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) است. براساس این پژوهش، تفاوت‌های عمده دو گفتمان را می‌توان در این موارد جستجو کرد: تقلیل و تأسیس غیریت‌ها، چالش عمل‌گرایی و تکنوکراسی، توسعه متوازن و الگوی توسعه، نوع نگرش و گرایش به مقولاتی مانند کارآمدی و عدالت و به نسبت دوگانه‌هایی چون عدالت و توسعه، آزادی و توسعه، استقلال و توسعه، نوع اعتبار از آموزه‌هایی چون نسبت دین و نظامات اجتماعی.

دهقانی فیروزآبادی و عطائی (۱۳۹۲) گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم را تحلیل نموده‌اند. موضوع هسته‌ای به عنوان مهم‌ترین مسئله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در یک دهه گذشته، عرصه رقابت گفتمان‌های مختلف در این حوزه بوده است. انتخابات ریاست جمهوری خردادماه ۱۳۹۲ منجر به تحول گفتمانی در موضوع هسته‌ای گردید. در این انتخابات حسن روحانی به عنوان حامل گفتمان اعتدال و اعتدال‌گرایی توانست نظام معنای حاکم بر این گفتمان را عمومیت بخشیده و آن را هژمونیک نماید. پژوهش با استفاده از نظریه گفتمان لاکولا و موو، چارچوب نظری فراهم آورده که به تبیین عناصر و دقایق گفتمان ناظر بر موضوع هسته‌ای در دولت یازدهم و کشمکش‌ها و رقابت‌های هژمونیک میان این گفتمان و گفتمان‌های رقیب می‌پردازد. تحلیل گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم نشان می‌دهد این گفتمان با دال مرکزی تعامل سازنده، به جهت برخورداری از عوامل سیاسی بیشتر، فعال‌تر و منسجم‌تر، به‌کارگیری فرایندهای طرد و برجسته‌سازی، میزان دسترسی بالا و اعتبار بیشتر نسبت به سایر گفتمان‌های رقیب، توانست هژمونیک شود.

پناهی، خانیکی و امینی (۱۳۹۲) به تبیین جامعه شناختی تحول گفتمان مجمع روحانیون مبارز در طی دو دهه ۱۳۶۸-۱۳۸۸ به عنوان یکی از گفتمان‌های سیاسی مؤثر پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. پژوهشگران در چارچوبی پس از مروری بر تحول گفتمان مجمع روحانیون مبارز در دولت‌های جنگ، سازندگی، اصلاحات و دولت

اصولگرا عوامل ساختاری تحول این گفتمان را بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش در سطح نخست نشان داد که عوامل ساختاری نظیر فرایند تکوین این گفتمان در یک جامعه پساانقلابی بر تحول آن اثر گذاشته است؛ از مهم‌ترین خصایص جامعه پساانقلابی انشعاب نیروها و تحول فضای ایدئولوژیکی جامعه است. در سطح دوم عوامل ساختاری به دو گروه عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم شدند؛ عوامل سخت‌افزاری نظیر تحولات جمعیتی، گسترش شهرنشینی، افزایش سواد، تحولات اقتصادی معیشتی، و عوامل نرم‌افزاری نظیر گذار از اقتدار کاریزماتیک به اقتدار عقلانی قانونی، تحولات روشنگری، تحولات رسانه‌ای چیرگی موج دموکراتیزاسیون در جهان و رواج آموزه‌های آزادگرایانه بوده است.

دهقانی فیروزآبادی و نوری (۱۳۹۱) امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی دوران اصول‌گرایی مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهشگران با بهره‌گیری از بصیرت‌های نظریه امنیت هستی‌شناختی به بررسی علل تغییر در رویکرد سیاست خارجی اصول‌گرایان و مهم‌ترین جلوه رفتاری آنان یعنی دیپلماسی هسته‌ای پرداخته‌اند. تحلیل محتوای اظهارات دولتمردان این دوره، به وضوح احساس ناامنی هویتی آنان را نشان می‌دهد. به باور اصول‌گرایان کلیت گفتمان دولت‌های سازندگی و اصلاحات و رویکرد سیاست خارجی آنان از آرمان‌های اولیه انقلاب و ارزش‌های اسلامی فاصله داشته است. ترجمان این گزاره در نظریه امنیت هستی‌شناختی آن است که تداوم هویت اسلامی - انقلابی جمهوری اسلامی در دوران شانزده ساله مذکور متوقف شد و این امر موجبات ناامنی هویتی سیاست‌گذاران اصول‌گرا را فراهم آورد. بنابراین، دولتمردان جدید رجعت دوباره به منابع هویت‌ساز سیاست خارجی جمهوری اسلامی و بازتعریف آن‌ها را در دستور کار خود قرار دادند. نتیجه طبیعی این فرایند، تغییر در رویکرد سیاست خارجی اصول‌گرایان به سوی رویکردی بود که مولد رفتارهای روالمند پیش از دولت‌های سازندگی و اصلاحات باشد.

امینی و انعامی علمداری (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «دیپلماسی و اقتصاد: الگوی مناسبات ج. آ. ایران و اتحادیه اروپا ۸۴-۱۳۷۶» به این نتیجه رسیده‌اند که دیپلماسی اقتصادی ابزاری برای تأمین حداکثر منافع طراحان و بازیگران دولتی و غیردولتی در

عصر جهانی شدن است، در این راستا ج. آ. ایران با ترکیب‌بندی عناصر داخلی و خارجی خود تلاش کرده تا در جهت مسیر توسعه گام برداشته و دیپلماسی اقتصادی را به‌عنوان فرآیند مکمل دیپلماسی سنتی برگزیند، در این میان اتحادیه اروپا به‌عنوان شریک تجاری سال‌های اخیر، هدف گسترش دیپلماسی اقتصادی ج. آ. ایران قرار گرفت و در این دوره ایران توانست اتحادیه اروپا را به‌عنوان مهم‌ترین شریک اقتصادی خود برگزیند. حسینی و پرمه (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های تجاری کالایی دوجانبه ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپا» که با هدف ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های تجاری کالایی دوجانبه بین ایران و ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا با استفاده از چهار شاخصه درایسدل، کسینوس، پتانسیل تجاری و مزیت نسبی آشکارشده طی دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۳ تدوین شده است به این نتیجه رسیده‌اند که برآورد پتانسیل صادراتی ایران به اعضای اتحادیه اروپا نشان می‌دهد بیشترین پتانسیل صادراتی ایران به آلمان بوده است و ایتالیا، هلند، فرانسه و بلژیک در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

در مقابل کمترین پتانسیل صادراتی ایران به کشورهای تازه عضویت یافته شامل اسلونی، لیتوانی، لتونی، اسلواکی، استونی و مالت تعلق دارد. انگلیس بالاترین درصد استفاده نشده از پتانسیل صادراتی ایران در بین اعضای اتحادیه اروپا را دارد (۸۹ درصد) و پس از آن هلند، ایرلند، فنلاند و پرتغال قرار دارند. همچنین، برآورد پتانسیل وارداتی ایران از اتحادیه اروپا نشان می‌دهد بیشترین پتانسیل وارداتی ایران به آلمان تعلق داشته و ایتالیا، فرانسه و بلژیک در مراتب بعد قرار دارند. در مقابل کمترین ارزش پتانسیل وارداتی ایران به قبرس، لیتوانی، لتونی، استونی و مالت تعلق دارد. محاسبه شاخص درایسدل در جریان مبادلات تجاری ایران به اعضای اتحادیه اروپا نشان می‌دهد در سال ۱۹۹۹ ایتالیا دارای بالاترین روابط تجاری با ایران بوده و پس از آن لهستان، اسلواکی، لیتوانی و اسپانیا قرار دارند، در مقابل استونی، لتونی و ایرلند کمترین روابط تجاری با ایران را دارا هستند. این شاخص طی دوره، با تغییر و نوسان‌هایی مواجه بوده و در سال ۲۰۰۳ لیتوانی، یونان، ایتالیا، هلند، اسپانیا و فنلاند دارای شاخص درایسدل بیشتر از یک، و برای بقیه اعضا کمتر از یک بوده است.

طباطبایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی ج. آ. ایران در عصر جهانی شدن» اینچنین نتیجه می‌گیرد که وضعیت موجود ایران به‌خصوص در حوزه اقتصادی در سطح جهانی، چندان شایسته ایران و ایرانی نیست. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که می‌تواند ایران را از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب برساند، دیپلماسی اقتصادی است. دیپلماسی اقتصادی ایران نیازمند چهار پیش‌شرط، چهار اقدام در سطح ملی و شش اقدام در سطح بین‌المللی برای کامیابی است. چهار پیش‌شرط شامل شناخت دقیق وضعیت موجود، اجماع نظر میان نخبگان، شناخت قواعد بازی و اعتقاد و التزام به عمل و نه شعار در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد. چهار اقدام در سطح ملی شامل بازتعریف دیپلماسی، بازتعریف وظایف دستگاه دیپلماسی و دیپلمات‌ها، ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی و فضا سازی برای حضور بخش خصوصی و اعتقاد به آن در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و شش اقدام در سطح بین‌المللی شامل اتخاذ استراتژی‌های مناسب، توجه به ژئوپلتیک بی‌همتای ایران، ارتباط شایسته با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی اقتصادی، شناخت بازارهای هدف و برنامه‌ریزی برای فتح آن، کمک به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توجه به ایرانیان خارج از کشور است تا برآیند آن تغییر جایگاه ایران در نظام بین‌المللی به ویژه اقتصاد بین‌الملل باشد».

سینایی و زمانی در پژوهش خود با عنوان «بررسی نقش دولت و مجلس در تغییر سیاست‌های اقتصادی ایران مطالعه موردی: برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۲-۱۳۶۸)» این نتایج را استنتاج کرده‌اند که اولویت سیاست‌های ایران پس از پایان جنگ (۱۳۶۷) بازسازی مناطق جنگ زده و اقتصاد کشور بود. در این هنگام اکثریت اعضای دولت و نمایندگان سومین دوره مجلس شورای اسلامی در زمره هواداران اقتصاد برنامه‌ریزی شده و مداخله دولت در اقتصاد بودند. اما بازسازی با تغییر سیاست‌های اقتصادی گذشته و گرایش به اقتصاد آزاد مصادف شد. مهم‌ترین نماد این دگرگونی در سیاست‌های اقتصادی، تصویب برنامه اول توسعه و سیاست تعدیل اقتصادی بود. تحلیل داده‌های موجود نشان می‌دهد در تدوین و تصویب سیاست‌های اقتصادی، دولت و مجلس بیشتر نقش تبعی و تأییدگر داشته‌اند و ائتلافی از روحانیون

عمل‌گرا و تکنوکرات‌ها که در نهادهای دولتی و مجلس با نفوذ بودند نقش تعیین‌کننده را داشتند.

مطالعات خارجی

هدر فیلد و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «چالش‌های اقتصادی چگونه باعث تغییر سیاست خارجی آمریکا شد؟» به این موضوع پرداخته است که بحران اقتصادی آمریکا که در سال ۲۰۰۸ و با ورشکستگی مجموعه مالی لمن برادرز آغاز گردید، چگونه راهبردی تجاری، اقتصادی و حتی سیاسی این کشور را متأثر ساخته است. نویسندگان برای یافتن پاسخ این پرسش، ابتدا ریشه‌ها و دلایل بروز بحران سال ۲۰۰۸ را که از بخش مسکن آغاز گردید را تشریح می‌کند و سپس با شرح چگونگی رشد و گسترش توان اقتصادی کشورهای نوظهور در منطقه آسیا و آمریکای جنوبی از برآمدن قدرت‌های نوین و تغییر مرکز ثقل قدرت اقتصادی جهان سخن می‌گوید. در پایان نویسندگان مقاله با بهره‌گیری از تئوری‌های اقتصاد سیاسی و ژئواکونومی، عواملی مانند بحران‌های زیست‌محیطی، بی‌ثباتی‌های سیاسی، عدم وجود رویه‌های دموکراتیک و فساد گسترده و ساختاری را از جمله دلایلی می‌داند که مانع تأثیرگذاری سریع قدرت‌های نوظهور آسیایی و آمریکای لاتین بر ساختار سیاسی و اقتصادی جهانی می‌شود.

هدر فورد و هندریکس (۲۰۱۵) در تحقیقی تطبیقی تحت‌عنوان «هژمونی سیاسی و تراز تجاری ایالات متحده آمریکا» به این نکته اشاره داشته‌اند که مشکلات اقتصادی به‌ویژه تجاری ایالات متحده در جهان پس از جنگ دوم خلیج فارس سبب گردید تا این کشور موجی جدیدی از تلاش برای برتری اقتصادی و تقویت و تثبیت شرایط تجاری را با مواجهه با سیار بلوک‌های قدرتمند تجاری و اقتصادی مانند چین و اتحادیه اروپا آغاز نماید. برتری طلبی اقتصادی یک کشور از یک‌سو، مستلزم برخورداری از بالاترین سطوح قابلیت‌های اقتصادی، و از سوی دیگر، مستلزم اراده و توانایی آن دولت برای رهبری امور اقتصادی جهان می‌باشد که در این‌جا نقش قدرت سیاسی اهمیت می‌یابد. دولت آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و با توجه به پیروزی در این عرصه به‌عنوان قدرت بلامنازع جهانی مطرح گردید و با پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق به

رهبری شوروی این قدرت ویژه رو به فزونی نهاد و از این قدرت در راستای احاطه بر فرصت‌های تجاری و در عین حال رهبری و جهت‌دهی سیاست‌های اقتصادی، تجاری و مالی جهان استفاده نمود. علائم، نشانه‌ها و گرایش به هژمونی تجاری آمریکا در این دوره، سه نشانه از زنجیره سیاست‌های به هم وابسته داشت ۱: پیمان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و جهانی مانند بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول ۲: معاهدات چندجانبه مانند نفتا، پیمان تجاری آسیا - پاسیفیک ۳: پیمان‌های دوجانبه مانند موافقتنامه‌های تجارت آزاد با مکزیک، کانادا، ژاپن و سایر کشورها.

۲۳۳

پاسارد و لترسن (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان «سیاست‌های اقتصادی و اقتصاد سیاسی در قرن ۲۱» تاکید کرده‌اند که قبل از دهه ۶۰ میلادی عمدتاً وقوع بی‌ثباتی‌های اقتصادی به عوامل اقتصادی مرتبط دانسته می‌شد ولی در سالهای دهه ۶۰ و به خصوص دهه ۷۰ با پدیدار شدن مفهوم اقتصاد سیاسی اقتصاددانان تلاش کردند تا با ارائه نظریه‌هایی مانند سیکل تجاری سیاسی، عوامل غیراقتصادی یا به عبارتی دقیق‌تر عوامل سیاسی را شناسایی نمایند که عامل بی‌ثباتی در اقتصاد کلان بودند. به همین منظور آن‌ها ضمن بررسی عوامل مختلف سیاسی و تأثیر آن‌ها بر اقتصاد به مفاهیم جدیدی مانند سیکل‌های تجاری سیاسی فرصت‌طلبانه و سیکل‌های تجاری سیاسی حزبی رسیدند بر این اساس مفهوم اولی انتخابات و دومی جابه‌جایی احزاب در قدرت را عامل بی‌ثباتی‌های اقتصادی می‌دانست. در سال‌های اخیر مفهومی تحت‌عنوان سیکل تجاری روابط خارجی نیز مورد استفاده قرار گرفته است که به تأثیرات گسترده‌تر سیاست بر حوزه اقتصاد اشاره دارد که بر این اساس به بررسی تأثیر و جایگاه روابط خارجی کشورها با یکدیگر و تأثیری که بر مبادلات تجاری و بازرگانی آن‌ها دارد می‌پردازد. در سال‌ها اخیر و با نگاهی به مقوله تحریم در عرصه روابط بین‌الملل مفهوم سیکل تجاری روابط خارجی اهمیت و کاربرد گسترده تری نیز نسبت به قبل می‌یابد.

صفروف و حلیمف (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «زمینه‌یابی ساختارهای دیپلماتیک و مبادلات بازرگانی در حوزه جغرافیایی و ژئوپلیتیک آسیای میانه و آسیای غربی» به این موضوع پرداخته‌اند که فروپاشی "شوروی" و شکل‌گیری جمهوری‌های جدید در آسیای میانه و قفقاز، تعریف جدیدی را از همکاری‌های سیاسی و روابط اقتصادی



تأثیر گفتمان

سیاسی بر

تعاملات بازرگانی

خارجی ج.آ. ایران

و اتحادیه اروپا در

دوره ریاست

جمهوری هاشمی

رفسنجانی

به‌وجود آورده است. جمهوری‌های آسیای مرکزی و حوزه دریای کاسپین و همچنین افغانستان به دلیل محصور بودن در خشکی برای برقراری ارتباط با شرکای تجاری، مبادلات بازرگانی، تأمین نیازهای انرژی و در یک کلام اعمال مؤثر دیپلماسی تجاری به آب‌های آزاد نیازمندند. با وجود مزیت‌های متنوع کشورهای حوزه آسیای غربی مانند ایران، ترکیه، پاکستان این کشورها درصددند تا با سرمایه‌گذاری و گسترش دیپلماسی عمومی، ضمن در اختیار گرفتن محوریت سیاسی و اقتصادی در این عرصه، علاوه بر خلق ظرفیت‌های گسترده درآمدی، اشتغال و توسعه، منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را نیز ارتقاء بخشند. موقعیت این کشورها نشان می‌دهد که ایران به‌عنوان مسیر مناسب برای انتقال و تأمین انرژی کشورهای آسیای میانه و همچنین دسترسی به آب‌های آزاد، ترکیه به‌عنوان نزدیک‌ترین مسیر برای دسترسی این کشورها به کشورهای اروپایی و پاکستان به عنوان مسیری مناسب و کم هزینه برای ارتباط با قاره آفریقا و هند مطرح می‌باشند و مزیت هر یک از این کشورها در حوزه‌های یاد شده امکان گسترش روابط حوزه‌های اقتصادی سیاسی آسیای میانه و آسیای غربی را فراهم می‌نماید.

لوئیس (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «مبانی مشروعیت تصمیم‌های سیاسی» این نتیجه را می‌گیرد که در هر تصمیم‌گیری چند مؤلفه محوری یافت می‌شود: طرح مسأله، نیاز به تصمیم‌گیری و اجماع در فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی. اجرا نمودن برنامه به وسیله سیاست‌ها رخ می‌دهد. از نظر او سه پرسش اساسی در مرحله تصمیم‌گیری مطرح می‌شود:

چه کسی تصمیم می‌گیرد؟ (مشروعیت)

این تصمیم چگونه مشروع می‌شود؟ (سؤال رویه‌ای)

چه چیز به تصمیم مشروعیت می‌دهد؟ (سؤال ذاتی)

در پاسخ به پرسش نخست می‌خواهیم بدانیم آیا اکثریت و اراده جمعی در تصمیم‌گیری نقش دارند یا تنها عده‌ای خاص بر مبنای منافع فردی تصمیم می‌گیرند. پاسخ به سؤال دوم به فرآیند تهیه و تدوین سیاست مربوط می‌شود. مشروعیت بخشیدن به سیاست‌ها نیازمند قانون است. پس قانون نیز پاسخ پرسش سوم است. بدین ترتیب در

هر کشور مجموعه‌ای از سیاست‌های کلان مسیر جامعه را مشخص می‌نماید. لیکن مدیریت و اداره جامعه به سیاست‌های خرد نیز نیاز دارد. بنابراین قوه مجریه ناگزیر از تدوین سیاست‌های متنوع و متناسب با زمان و مکان است.

حسن‌پور^۱ و همکاران (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر شدت تجارت کشورهای عضو کنفرانس اسلامی پرداختند. برای این منظور از الگوی جاذبه‌ای استفاده کردند که تا حدودی با الگوهای جاذبه سنتی تفاوت دارد زیرا در این مطالعه به جای ارزش مطلق مبادلات (ارزش مطلق صادرات یا واردات دو جانبه) شدت و عمق مبادلات را لحاظ کردند در حالی که در الگوی سنتی جاذبه اثر مقیاس تنها از طریق محاسبه کل مبادلات کشورهای شریک مورد سنجش قرار می‌گیرد. به عقیده آن‌ها چون جریان تجارت بین دو کشور و مقدار آن تحت تأثیر اندازه و حجم فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها قرار می‌گیرد و به این ترتیب با توجه به تفاوت در اندازه کشورها به راحتی نمی‌توان حجم مبادلات آن‌ها را با یک دیگر مورد مقایسه قرار داد. آن‌ها برای رفع این مشکل از شاخص شدت تجارت استفاده کردند. از ویژگی‌های مهم این شاخص این است که شدت جریان‌های تجاری را بدون در نظر گرفتن اندازه کشورهای طرف مبادله اندازه‌گیری می‌کند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که متغیرهای داشتن مرز مشترک، فاصله جغرافیایی و تولید ناخالص داخلی، جمعیت، زبان مشترک و شرکت در موافقت نامه تجارت آزاد دارای اثر معنادار بر تجارت بین زوج کشورهای مورد بررسی دارد و متغیرهایی هم چون شرکای تجاری مشترک و مساحت کشورهای صادرکننده و واردکننده اثر معناداری بر تجارت دو جانبه بین زوج کشورهای مورد بررسی نداشتند.

ریچارد اسنایدر^۲، اچ. دبلیو. بروک^۳ و برتون ساپین^۴ (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «تصمیم‌سازی در سیاست خارجی» به این نتیجه در باب تأثیر جهت‌گیری‌های سیاسی در اقدامات سیاسی-اقتصادی رسیده‌اند که از جمله گزینه‌های روش‌شناختی مترادف گرفتن دولت با تصمیم‌گیرندگان رسمی دولت، یعنی کسانی است که اقدامات آمرانه‌شان از هر

1. Hsasan Pour
2. Richard C. Snyder
3. H.W.Bruck
4. Burton Sapin

حیث، اقدام دولت شناخته می‌شود. اقدام دولت، اقدام همان کسانی است که به نام دولت عمل می‌کنند و به همین دلیل نقش جهت‌گیری‌های سیاسی در تعیین راهبردهای کلان اقتصادی-سیاسی یک کشور بسیار اهمیت دارد.

داگلاس نورث (۱۹۹۱) اقتصاددان «نهادگرا»، در پژوهش خود تحت عنوان «نهادها»، معتقد است که نهادها محدودیت‌هایی هستند که از جانب افراد بر تعاملات بین آنها تحمیل می‌شود. این محدودیت‌ها عبارت‌اند از:

قواعد رسمی شامل قانون اساسی، قوانین موضوعه، قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها؛
محدودیت‌های غیررسمی شامل هنجارها، عرف و قوانین رفتاری خود تحمیل؛

ویژگی اعمال این محدودیت‌ها

طبق نتایج این کتاب، نهادها تأثیرات خود را بر تصمیمات و اقدامات اقتصادی می‌گذارند و در هر سرزمین قوانین موضوعی تجاری-اقتصادی، نتایج اقتصادی متفاوتی به بار می‌آورند.

دولت هاشمی‌رفسنجانی

دوره ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی همزمان با نابسامانی‌های ناشی از جنگ تحمیلی و ضرورت بازسازی مناطق جنگ‌زده و سازندگی کشور بود، لذا ج.آ.ایران نیازمند به ترغیب و اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه با سایر کشورها بود. «تأمین هزینه‌های مالی بازسازی نیازمند افزایش درآمدهای نفتی بود. این مهم علاوه بر بازسازی صنایع و تأسیسات نفتی، از طریق بهبود روابط با کشورهای تولیدکننده نفت و همچنین افزایش سطح همکاری با کشورهای خارجی در راستای تأمین منابع ارزی از آنها مقدور بود.» (امامی، ۱۳۸۳: ۸۲).

سیاست خارجی دولت هاشمی‌رفسنجانی در راستای بازسازی اقتصادی رویکردی میانه رو را پیگیری می‌کرد. ایشان با لحاظ اهمیت وابستگی متقابل، بر تعامل با نظام بین‌المللی تأکید داشت (احتشامی (۲۰۰۸)، تاکی (۲۰۰۹)).

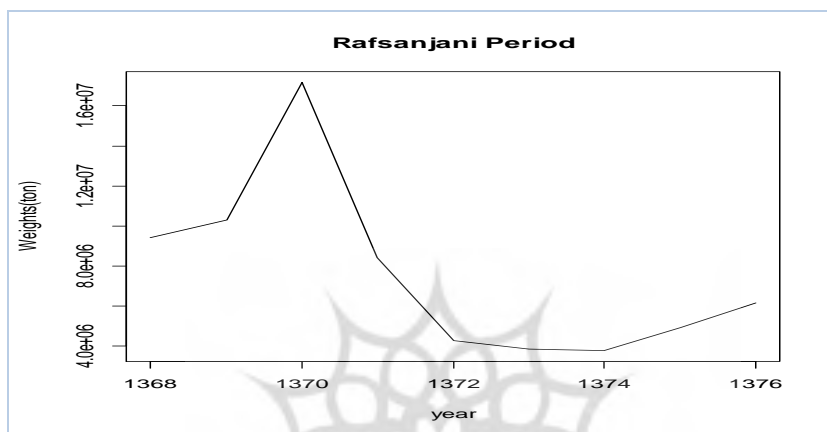
1. Douglass North
2. Takeye

از این رو تأمین الزامات و منابع توسعه‌ای ج.آ.ایران (سازندگی و بازسازی) نیازمند تغییراتی در اهداف و راهبردهای سیاست خارجی بود تا از این راه منابع ارزی برنامه‌های اول و دوم توسعه کشور با مساعدت سایر کشورهای دیگر برآورده شود. لذا عوامل مؤثر درونزا، موجب تغییر و بهبود در جهت‌گیری راهبردهای ج.آ.ایران شد و سیاست خارجی کشور در مواجهه با مشکلات ناشی از جنگ رویکرد عمل‌گرایی اتخاذ نموده و در این مسیر تلاش نمود تا میان اصول‌گرایی اسلامی (اصول و اهداف و آرمان‌های سیاست خارجی کشور ایران به انضمام اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت درج شده در قانون اساسی)، و تأمین منابع و نیازهای توسعه‌ای توازن برقرار نماید. «این امر بیانگر آغاز دوران تنش‌زدایی در سیاست خارجی ج.آ.ایران بود. دوران تنش‌زدایی در حالی آغاز شد که واقع‌گرایان انقلابی در رقابت با آرمانگرایان انقلابی دست بالا را داشتند. آن‌ها برخلاف آرمان‌گرایی انقلابی که در دهه نخست انقلاب، تفوق مواضع ایدئولوژیک را بر ملاحظات اقتصادی در عرصه سیاست خارجی دنبال می‌کردند؛ سعی در برقراری توازن میان آن دو داشتند.» (یعقوبی، ۱۳۸۵: ۷۶). به عبارت دیگر، ج.آ.ایران برای حل و فصل مشکلات و موضوعات سیاست خارجی خود با سه واقعیت مهم روبرو گردید:

اولاً: توجه به این امر که نظام بین‌الملل بر اساس وابستگی متقابل، عمل می‌کند. بنابراین ج.آ.ایران فاقد توان لازم برای تغییر وضع موجود بوده و نمی‌تواند خارج از ساختارهای بین‌الملل موجود، عمل مؤثری را به انجام رساند. دوم اینکه، ج.آ.ایران بر مشکلات عمیق اقتصادی خود در دوران بعد از جنگ وقوف داشت. بر این اساس درصدد برآمد تا اصلاح مؤثر و همه‌جانبه‌ای را در نظام اقتصادی و دستگاه اداری خود به انجام رساند. مورد سوم را باید به ضرورت بهره‌گیری از کمک‌های خارجی در بهبود و سامان‌بخشیدن به مشکلات عدیده اقتصادی ج.آ.ایران دانست. در این رابطه تلاش شد تا مشکلات اقتصادی، ضعف نظامی و کمبودها در سرمایه‌گذاری مالی از منظر ساختاری مورد توجه قرار گیرد.

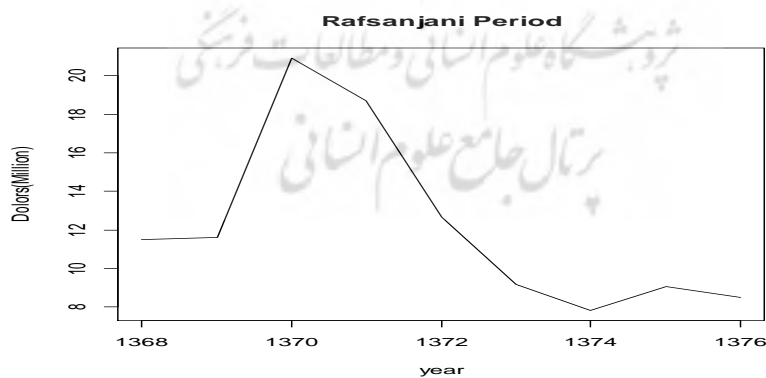
تجزیه و تحلیل مبادلات تجاری میان ج.آ.ایران و اتحادیه اروپا در دوره هاشمی رفسنجانی

در این بخش با کمک نرم‌افزار I به تجزیه و تحلیل آمارهای تجارت خارجی ج.آ.ایران با کشورهای اروپایی بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ پرداخته می‌شود.



نمودار ۱. مجموع وزنی مبادلات برای دوره هاشمی

طبق نمودار (۱)، مجموع مبادلات وزنی میان ج.آ.ایران و اتحادیه اروپا از ابتدای دولت هاشمی رفسنجانی تا سال ۱۳۷۱ روند صعودی و روبه‌رشدی داشته اما از سال ۱۳۷۲ به بعد شاهد افول این روند هستیم.



نمودار ۲. مجموع دلاری مبادلات برای دوره هاشمی رفسنجانی

نمودار شماره (۲) نیز که مختص مبادلات وزنی میان ج.آ.ایران و اتحادیه اروپا در این دوره است، به مانند نمودار شماره (۱) روندی مشابه داشته و این دو نمودار این نکته را نشان می‌دهند، که سیاست‌های تنش‌زدایی دولت هاشمی‌رفسنجانی در دوره اول ریاست جمهوری وی، دارای تأثیر مستقیم بر مبادلات تجاری ج.آ.ایران و اروپا داشته و موجب افزایش این دوره‌ها گردیده است، اما در دوره دوم ریاست جمهوری وی، به دلیل ایجاد تنش‌های سیاسی میان ج.آ.ایران و اروپا این روند دچار سکنه و کاهش گردید.

۲۳۹

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نگاه هدف، اکتشافی است؛ زیرا می‌توان از نتایج یافته‌های آن برای ارتقا و توسعه گفتمان سیاسی بر افزایش تعاملات بازرگانی ج.آ.ایران و اتحادیه اروپا استفاده کرد. از لحاظ نوع داده‌ها، پژوهش آمیخته متوالی (کیفی - کمی) بوده که نخست در بخش کیفی مدل با کمک روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد ارائه و سپس در بخش کمی با روش تحلیل عاملی تأییدی و با استفاده از نرم‌افزار لیزرل آزمون می‌شود.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری به مجموعه مشخصی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش اشاره دارد که از ویژگی‌ها یا تجربیات مشترکی برخوردارند (نیوتن، ۲۰۰۳ به نقل از میفیلد ۲۰۰۸). جامعه آماری این پژوهش در مرحله کیفی خبرگان حوزه روابط بین‌الملل و سیاست‌خارج ج.آ.ایران تشکیل می‌دهند که با نمونه‌گیری به روش هدفمند با ۱۰ نفر آن‌ها در خصوص مسئله پژوهش مصاحبه تا به اشباع نظری دست یافته شد. در مرحله کمی پژوهش نیز که برای اعتبارسنجی مدل استفاده شده است جامعه آماری شامل کارشناسان وزارتخانه امورخارج کشور به تعداد ۱۵۰ نفر بوده است که ۱۰۸ نفر آن‌ها با روش تصادفی به عنوان نمونه آماری برگزیده شدند.



تحلیل داده‌ها

پژوهش حاضر از روش تحقیق آمیخته استفاده شده، لذا در دو بخش به ارائه تحلیل‌های انجام شده پرداخته می‌شود: نخست فرایند استخراج مولفه‌های گفتمان سیاسی بر تعاملات بازرگانی خارجی ج.ا.ایران و اتحادیه اروپا در دولت هاشمی‌رفسنجانی با روش نظریه داده‌بنیاد ارائه می‌شود و سپس تأیید مدل با روش صورت کمی و با روش تحلیل عاملی تأییدی بیان می‌شود.

الف) استخراج مدل به صورت کیفی

گلیر و اشتراوس (۱۹۶۷) مبدعان راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بیان می‌کنند که الزاماً از طریق نظریه‌ها (تئوری) نمی‌توان به تشریح جهان پیرامونی پرداخت. رویکرد کلی در این متد حرکت از سمت داده به سوی تئوری است. این روش به گردآوری، مصاحبه یا مشاهده و در ادامه مقایسه داده‌ها استوار است که نهایتاً به قضیه‌ها یا احکام منتج و سپس می‌توان نظریه را تبیین نمود.

مرحله تئوری داده‌بنیاد توسط اشتراوس و کوربین (۲۰۰۷) به ترتیب زیر بیان شده‌اند:

۱. کدگذاری باز: کدگذاری باز قسمت نخست از فرایندی است که در آن ابتدا داده‌های مربوط به پدیده مورد مطالعه بررسی دقیق شده و سپس نامگذاری و مقوله‌بندی می‌شوند. در این مرحله داده‌ها به بخش‌های مجزا تفکیک شده و برای کسب مشابهت‌ها و تفاوت‌ها با دقت واری می‌شوند.
۲. کدگذاری محوری: پژوهشگر در این مرحله از طریق اندیشیدن و ایجاد ارتباط در مورد ابعاد متفاوت این مقوله‌ها، اقدام به رمزگذاری محوری به منظور یافتن پیوندهای میان آن‌ها می‌کند.
۳. کدگذاری انتخابی: در این مرحله مقوله‌ها پالایش شده و پس از این فرایندها در پایان، مدل تئوریک پدیدار می‌شود.

-
1. Strauss and Corbin
 2. Open coding
 3. axial coding
 4. selective coding

لذا بر اساس این فرایند، نخست به دقت داده‌های مصاحبه‌ها، مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفت و داده‌های مشابهی که بار معنایی یکسانی داشتند تحت کدهای مشترکی انتخاب گردیدند و سپس مفاهیم متناسبی به هر یک اختصاص داده شد. آنگاه چند مفهوم یک مقوله و چند مقوله در قالب یک نظریه متجلی خواهد شد. در ادامه نمونه‌ای از کدگذاری باز انجام شده ارائه شده است و خلاصه نتایج دیگر مراحل کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان در جدول (۵) ارائه شده است.

کدگذاری باز، انتخابی، محوری

۱- کدگذاری باز: نمونه‌ای از کدهای اولیه

مشارکت‌کننده (۱): در دوران آقای هاشمی محوریت تعیین کلیه خطوط اصلی کشور بر اساس اولویت‌های اقتصادی بود و حتی به سیاست نیز از دریچه اقتصاد نگاه می‌شد که این امر لازمه دوران بازسازی بعد از جنگ بود. سیاست خارجی نیز از این رویکرد تأثیر پذیرفته بود و محور دیپلماسی کشور بر اساس رویکردهای اقتصادی تعریف شده بود. این نوع نگاه باعث شده بود تا الگوسازی برای صدور آرمان‌های انقلاب نیز از طریق رشد و پیشرفتهای اقتصادی باز تعریف گردد و اصطلاحاتی مانند ژاپن اسلامی و ام‌القرا نیز حاصل این رویکرد بود. در بعد داخلی نیز رشد متوازن و همگون ضامن امنیت ملی معرفی شده بود و این مهم با تعریف مجدد از منافع ملی همراه گردید. البته این رویکرد با نگاه ویژه به آرمان‌های انقلاب و اصالت ایدئولوژیک منافع ملی صورت گرفت و در واقع می‌توان گفت تنها تاکتیک‌های دستیابی به اهداف دستخوش تغییر شده ولی راهبرد اصلی بر اساس ذات بنیادین انقلاب اسلامی تعریف گردیده بود.

مشارکت‌کننده (۲): دولت جناب آقای هاشمی با توجه به شرایط بعد از جنگ و نیاز کشور به بازسازی اقتصادی برای استفاده از توان و ظرفیت حداکثری داخلی و بین‌المللی به سیاست تنش‌زدایی در روابط خارجی ج.آ.ایران روی آوردند و با رویکرد تعاملی با کشورهای منطقه، شرق آسیا و به خصوص اتحادیه اروپا از فضای دوران جنگ فاصله گرفتند. محور سیاست ایشان در این دوره تنش‌زدایی با کشورهای غربی و عربی منطقه بود که این امر با تغییر و اصلاح رویکردهای سیاست خارجی کشور البته با حفظ اصول

و آرمانهای انقلاب توأم گردید. مبنای این سیاست نیز اعتمادزایی و نشان دادن این امر بود که ج.ا.ایران قصد دخالت در امور داخلی سایر کشورها را ندارد. همچنین تغییر نگاه ایدئولوژیک و آرمان‌گرا به نگاهی واقع‌گرا و همچنین پذیرش برخی محدودیت‌های در شکل‌گیری فضا و تعامل با جهان اسلام از دیگر کارهای مهم در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی بود.

۲- کدگذاری محوری

جدول ۱. رمزگذاری محوری تنش‌زدایی

طبقه اصلی	طبقات فرعی
تنش‌زدایی	<p>رویکرد تنش‌زدایی در سیاست خارجی</p> <p>تغییر در حوزه سیاست خارجی با حفظ اصول و مبانی انقلاب اسلامی</p> <p>تسالم، تنش‌زدایی و اعتمادسازی</p> <p>عدم مداخله در امور داخلی کشورها</p> <p>نزدیکی آرام به غرب</p> <p>بهبود روابط با همسایگان</p>

با توجه به موارد مطروحه مدل نهایی حاصل از کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان به شرح ذیل ارائه می‌شود که دستاورد (یافته) پژوهش محسوب می‌شود.

۲۴۲

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره هشتم، شماره

سوم، شماره پیاپی

بیست و نهم

پاییز ۱۳۹۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. تأثیر گفتمان سیاسی بر تعاملات بازرگانی ج.آ.ایران با اتحادیه اروپا در دولت

هاشمی رفسنجانی

شاخص	مقوله	گزاره
	تنش زدایی	تنش زدایی در سیاست خارجی
	رویکرد تعاملی	تنش زدایی در سیاست خارجی
	توسعه اقتصادی	سازندگی اقتصادی و منافع ملی
	امنیت ملی و اقتدار	سازندگی اقتصادی و منافع ملی
	مصلحتگرایی	سازندگی اقتصادی و منافع ملی

ارائه مدل تأثیر گفتمان سیاسی بر تعاملات بازرگانی ج.آ.ایران با اتحادیه اروپا در دولت هاشمی رفسنجانی

۲۴۳

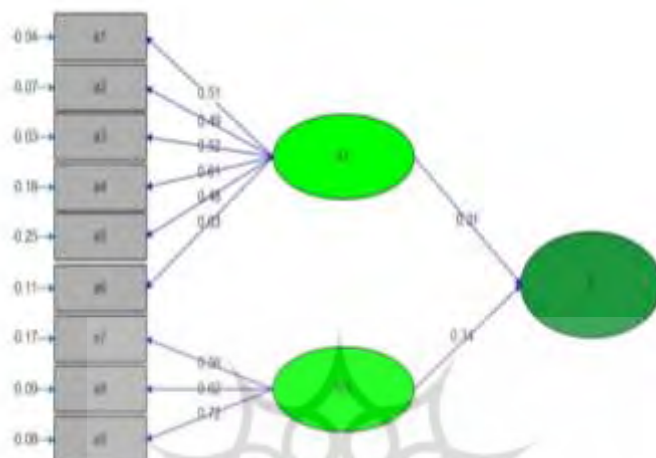


تأثیر گفتمان
سیاسی بر
تعاملات بازرگانی
خارجی ج.آ.ایران
و اتحادیه اروپا در
دوره ریاست
جمهوری هاشمی
رفسنجانی

(ب) آزمون کمی مدل

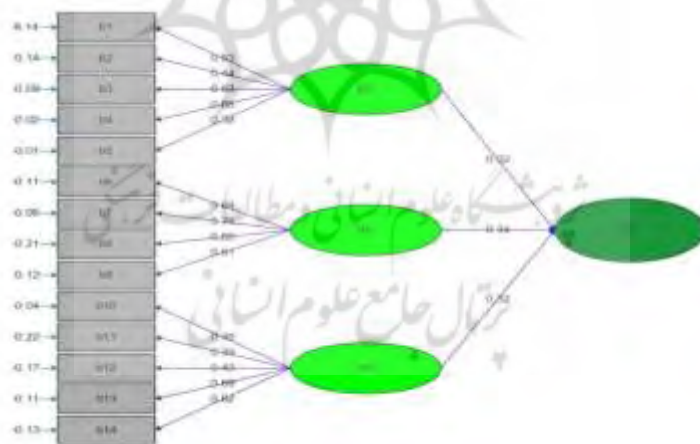
در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از نمونه‌ها و بررسی اثر تبیین‌کنندگی شاخص‌ها و مولفه‌های مورد نظر در پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم با کمک نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. به عبارتی، از تحلیل عاملی تأییدی در دو مرحله استفاده شده است: در مرحله نخست، چگونگی و میزان تأثیر هر یک از شاخص‌های شناسایی شده بر مؤلفه‌های مورد نظر بررسی شد و در مرحله دوم نیز

چگونگی و میزان تأثیر هر یک از این مؤلفه‌ها بر گزاره‌های تنش‌زدایی در سیاست خارجی و سازندگی اقتصادی و منافع ملی بررسی شده است. نتایج حاصل از این تحلیل در نمودارهای (۱) و (۲) نشان داده شده است.



Chi-Square=10.47, df=8, P-value=0.23355, RMSEA=0.043

نمودار ۳. تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم تنش‌زدایی در سیاست خارجی در حالت تخمین استاندارد



Chi-Square=3.44, df=2, P-value=0.17868, RMSEA=0.065

نمودار ۴. تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم سازندگی اقتصادی و منافع ملی در حالت تخمین استاندارد

تجزیه و تحلیل عاملی تأییدی سازگاری بیرونی سنجه‌های مقیاس و یا عوامل را می‌سنجد. شاخص‌های اصلی برازش مدل همیشه چهار شاخص مجذور کای، درجه آزادی، سطح معناداری و جذر برآورد واریانس خطای تقریب در زیر شکل‌های حاصل از تحلیل عاملی تأییدی نشان داده می‌شود. اگر نسبت مجذور کای به درجه آزادی کوچک‌تر از ۴ و سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب کمتر از ۰/۱ باشد نشان‌دهنده برازش مدل با داده‌های گردآوری شده است. آزمون فرضیات در این پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۵ انجام شده‌اند، از این رو مقادیری معنادار خواهند بود که بزرگ‌تر از قدرمطلق ۱/۹۶ باشند.

۲۴۵

هر یک از مقوله‌های (تنش‌زدایی و رویکرد تعاملی) استخراج شده برای گزاره تنش‌زدایی در سیاست‌خارجی در دوره هاشمی‌رفسنجانی به ترتیب حدود ۰/۳۱، ۰/۳۴ بوده که میزان تأثیر تغییرات مقوله‌ها بر گزاره تنش‌زدایی در سیاست‌خارجی در دوره هاشمی‌رفسنجانی را تبیین می‌کنند. همچنین میزان تأثیر سه مقوله (توسعه اقتصادی، اقتدار و امنیت ملی، مصلحت‌گرایی) استخراج شده بر گزاره سازندگی اقتصادی و منافع ملی در دوره هاشمی‌رفسنجانی نیز به ترتیب ۰/۳۲، ۰/۳۴ و ۰/۳۲ بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پیشینه سیاست‌خارجی ج.آ.ایران مبین این موضوع است که از بهمن ۱۳۵۷ ساختار اجزای سیاست‌خارجی و روابط سیاسی با جهان دوره‌های مختلفی را که گاه‌آ از نظر شکلی و پارادایم کاملاً با یکدیگر متضاد بوده‌اند را طی نموده است. گفتمان سیاسی نیز یکی از شاخص‌های تأثیرگذار و تعیین‌کننده در پیش‌بینی و درک الگوهای رفتاری کشورها و همچنین جایگاه آن‌ها در ساختار نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. در هر دوره‌ای از حیات ۴۰ ساله ج.آ.ایران شکل خاصی از قالب‌ها و الگوهای گفتمانی ظهور کرده است که تأثیر خود را بر رفتار سیاست‌خارجی و همچنین داخلی به‌جا گذاشته و نتایج متفاوتی را هم دربرداشته است و به‌صورتی که می‌توان گفت جایگاه فعلی نظام ج.آ.ایران در سطح منطقه و همچنین عرصه بین‌الملل برآیند نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و چالش‌هایی است که اجرا و نمود این گفتمان‌ها ایجاد کرده است.



نظر به این مهم، در این پژوهش تلاش شد تا با رویکردی جامع‌نگر، شاخص‌های گفتمان سیاسی در دولت چهارم و پنجم، با توجه به تاثیرگذاری در حوزه اقتصادی، در سیری اکتشافی و با استفاده از استراتژی نظریه داده‌بنیاد، شناسایی شوند.

طی مصاحبه و مشاوره با کارشناسان و خبرگان، مشاهده شد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر گفتمان سیاسی بر تعاملات بازرگانی با اتحادیه اروپا در دولت هاشمی‌رفسنجانی را می‌توان به دو بعد تنش‌زدایی در سیاست خارجی، و سازندگی اقتصادی و منافع ملی تقسیم‌بندی کرد. مولفه‌های مؤثر بر تنش‌زدایی در سیاست خارجی عبارت‌اند از «تنش‌زدایی» و «رویکرد تعاملی» در حالی که مقوله‌های مؤثر بر سازندگی اقتصادی و منافع ملی در دولت هاشمی‌رفسنجانی عبارت‌اند از «توسعه اقتصادی»، «اقتدار و امنیت ملی» و «مصلحت‌گرایی».

در دوره سازندگی سیاست خارجی ایران متأثر از پایان جنگ و تغییر رهبری و نیازها برای بازسازی آثار جنگ دو گزینه بسیار مهم اقتصادی و سیاسی را در اولویت امور قرار داد. در حوزه سیاسی تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط با کشورهای همسایه، اتحادیه اروپا و همچنین تا حدی ایالات متحده آمریکا در دستور کار قرار گرفت. تغییر جهت سیاست خارجی در راستای تنش‌زدایی با حفظ اصول و ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی بر این اصل استوار بود که اولاً بهبودی تدریجی در روابط با همسایگان حاشیه جنوبی خلیج فارس صورت پذیرد ثانیاً به صورتی آرام به غرب نزدیک شد ضمن اینکه عدم دخالت در کشورهای همجوار و جایگزینی واقع‌گرایی به جای آرمان‌گرایی در سیاست خارجی نیز از ارکان مهم سیاست خارجی ایران در زمان سازندگی بود از دیگر نکات برجسته سیاست خارجی دولت سازندگی که ناشی از اتخاذ رویکردهای واقع‌گرایانه بود پذیرش محدودیت در ایجاد تغییرات اساسی در جهان اسلام بود. در بعد اقتصادی توسعه‌گرایی اقتصادمحور در سیاست، محاسبه‌گری و اتخاذ عقلانیت ابزاری در سیاست خارجی کشور، دیپلماسی اقتصادگرا و برون‌گرایی تعاملی، واقع‌نگری و اهتمام به داشتن قدرت مادی علی‌الخصوص قدرت اقتصادی و تثبیت انقلاب در داخل و صدور آن از طریق الگوپردازی اقتصادی از مهم‌ترین رویکردهای دولت بود که بدون پیش‌زمینه‌های سیاسی و تغییرات در سیاست خارجی قابلیت اجرا پیدا نمی‌کرد.

منابع

امینی، آرمین و انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۸). «دیپلماسی و اقتصاد: الگوی مناسبات ج. آ. ایران و اتحادیه اروپا (۱۳۷۶-۸۴)». *نشریه علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج*، پاییز شماره ۸.

باقری دولت آبادی، علی؛ ابراهیمی، حسین. (۱۳۹۵). *توسعه محوری در دولت سازندگی و الزامات آن برای سیاست خارجی ایران*، دولت پژوهی، ۱۳۹۵.

تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۳). *گفتمان، پادگفتمان و سیاست*، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی

خالوزاده، سعید (۱۳۹۳). *واکاوی روابط ج. آ. ایران و اتحادیه اروپا؛ پیشنهادات و راهکارهای عملی به منظور تعامل سازنده*. تهران: اندیشه و تدبیر.

دهقانی فیروز آبادی، جلال و رادفر، فیروزه (۱۳۸۹). *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق.

دیوید هوارث (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی، شماره ۲: صص ۱۵۶ - ۱۸۲.

سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، *مجله علوم سیاسی*، سال هفتم، شماره ۲۸.

سینائی، وحید و زمانی، سمیه (۱۳۹۱). «بررسی نقش دولت و مجلس در تغییر سیاست‌های اقتصادی ایران مطالعه موردی: برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۲-۱۳۶۸)». *دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)*، دوره جدید، سال نوزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان.

شیخ‌عطار، علیرضا (۱۳۸۵). «همراهی دیپلماسی و اقتصاد در همکاری‌های منطقه‌ای ج. آ. ایران». *همشهری دیپلماتیک*، شماره سوم.

شیرخانی، محمد علی و خوش گفتارلامع، حامد (۱۳۹۱). «گفتمان و عملکرد اقتصاد سیاسی در دولت‌های تحصیلدار». *نشریه معرفت*، سال بیست و یکم، شماره ۱ (پیاپی ۱۷۲).

طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۸). *بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن*. ر.ک به سایت: www.sid.ir

گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۹۱). *ارزیابی تأثیر متغیر حقوق بشر در روابط ایران و اتحادیه اروپا، تجارت خارجی و چشم‌اندازها*. تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر.

لکائو، ارنستو و شانتال موفه (۱۳۹۷). *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی (به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال)*، مترجم: محمد رضایی
مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). *تحول نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت.

موسوی شفائی، سید مسعود (۱۳۸۶). «دیپلماسی اقتصادی، ابزار نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن». *پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی*، پاییز، شماره ۶.
وزیریان، تمیرحسین و طلوعی، هادی (۱۳۹۶). «بررسی مدل توسعه در دوران ریاست جمهوری هاشمی»، فصلنامه سیاست، سال چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۹۶.

Beblawi, H. and G. Luciani (1987). "The Rentier State, London", Croom Hel.

Bill, J. and C. Leiden (1984). "Politics in the Middle East", Boston, Little Brown.

Ehteshami, A. and M. Zweiri (2008). *Iran's Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad*, Ithaca, N.Y: Ithaca Press.

Glaser, Barney G., & Strauss, Anselm L (1967). *The Discovery of Grounded Theory: The Strategies for Qualitative Research*.

Laclau, E. and Mouffe, C. (2001). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. Verso; 2nd edition (June 2001)

Luise, Matri (2005). *The Sources of Legitimacy of Political Decisions: Between Procedure and Substance, The theory and practice of legislation*, edited by luc j.wintgws ashgate publishing limited.

- Mahdavi, H. (1970). "Patterns And Problems of Economic Development in Rentier States The Case of Iran ", in: M. A. Cook (ed.), Studies In The Economic History of The Middle East From The Rise of Islam To The Present Day, Oxford, Oxford University Press.
- North, Douglass, (1991). "Institutions", Journal of Economic Perspectives, Vol. 5, #1.
- Snyder, Richard C, H.W.Bruck and Burton Sapin (2002). "Foreign Policy Decision Making", New York, Palgrave.
- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1990). Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques, SAGE Publications.
- Takeye, Ray (2009). Guardian of the Revolution: Iran and the World in the Age of the Ayatollahs, Oxford: Oxford University Press.

